

[237] پروردگارا ! مرادعوت می کنی در حالیکه از تو روی می گردانم، و تو محبت می نمایی و من بغض و عناد می ورزم، بامن دوستی و شفقت می فرمایی و من از تو نمی پذیرم، گویا بر تو منت می گذارم، این ناسپاسی من مانع از رحمت و احسان نمودن تو بر من و فضل و عنایت براساس جود و کرمت نشده است، پس به این بنده نادانت رحم کن و به فضل و احسانت بر من ببخشای که تو بسیار بخشنده و کریمی. ستایش مخصوص خداست که مالک ملک وجود است، روان ساز کشتیها، رام کننده بادهای، پدید آورنده صبحگاهان از شب، و حاکم روز جزا، و پروردگار جهانیان است. ستایش از آن خداست بر حلم او پس از علمش، و ستایش از آن خداست بر عفوش پس از قدرتش، و ستایش خدای راست بر حلم و بردباری طولانی او در مقام غضبش، در حالیکه بر هرچه خواهد تواناست. ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق و گستراننده روزی، و پدید آورنده صبحگاهان، و صاحب جلالت و بزرگواری و فضل و انعام است، آن خدائی که از نظرها دور است و از اینرو دیده نخواهد شد، و بهمین نزدیک است، و از این جهت بر رازهای پنهان شاهد و گواه می باشد، اوست بزرگوار و بلند مرتبه. ستایش از آن خدائی است که کسی در مقابلش به نزاع برنخیزد، و شبیهی با او همگون نگردد، پشتیبانی مددکار او نشود، عزیزان در مقابل عزتش مقهور، و بزرگان در پیشگاه عظمتش متواضعند، و با قدرتش بر هرچه خواهد می رسد.
